

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در جلسه قبل در مورد یکی از اصول لفظیه بحث شد؛ و بحث های مرتبط با هرمونونیک مطرح شد. بحث دوم: دلالت کلام متکلم است که این بحث طبق اندیشه مشهور (و ما) مطرح می شود یعنی دلالت لفظ بر مراد متکلم؛ و اقسامی دارد مثلا منطوق داریم و مفهوم، یا مثلا دلالت التزامی داریم و مطابقی داریم و تضمینی یا مثلا دلالت صریح داریم (در افاده مراد متکلم خیلی روشن است و قطع آور است) دلالت ظاهر داریم قطع آور نیست اما به یک طرف رجحان دارد و دلالت مجمل (مبهم) داریم به هیچ طرف دلالت ندارد. نکته: در گذشته گفتیم که مجمل غلط است و مجمل در مقابل مفصل است و در مقابل صریح و ظاهر تعبیر مبهم درست است. در این بین ما چیزی به نام اطمینان داریم که این را هم در گذشته مفصل بحث کرده ایم و اطمینان عرض شد که به قطع ریاضی نمی رسد، اما یک علم عرفی است که به خلافش اعتنا نمی شود. نکته: با اینکه اکثر مسائل در اصول با اطمینان است اما متاسفانه بحث اطمینان بسیار لاغر است و لذا ما اطمینان را ملحق به نص یا همان دلالت صریح می کنیم. ما به دلالت قطعی می گوئیم نص یا صریح؛ دلالت نص اگر به دلالت مطابقی باشد می گویند صریح و اگر به دلالت مطابقی نباشد صریح نمی گویند. گاهی وقت ها دلالت قطعی، از دلالت التزامی است مثل کاری که امام صادق با آن دزد عارف نما کرد؛ حضرت آیه (انما یتقبل الله من المتقین) را کنار آیه (من جاء بالحسنه فله عشر امثالها) گذاشتند و نتیجه گیری کردند که تا متقی نباشی چیزی پذیرفته نیست؛ البته این را دلالت غیر صریح می گویند. نکته: در بحثی که ما داریم فقط دنبال دلالت قطعی هستیم و فرقی ندارد به آن دلالت، صریح اطلاق شود یا نشود. یکی از سوالات این بود که مقوم ظهور چیست؟ معیار ظهور چیست؟ و... ما داریم آرام آرام به این سوالات پاسخ می دهیم. یکی از سوال ها این بود آیا همان طور که ظواهر قرآن حجت است بطون و اشارات هم حجت است یا نه؟ اشارات قرآن در کدام قسم قرار می گیرد، بطون در کدام قسم قرار می گیرد؟ آیا دلالتش صریح است یا ظاهر و یا مجمل؟ مثال: آیه معروف (و حمله و فصاله ثلاثون شهرا ...) مدت شیر دادن و حمل جمعا باید 30 ماه باشد اما آیه دیگر می فرماید 24 ماه... حضرت امیر استفاده کرده اند اقل حمل 6 ماه است و حضرت از اشارات قرآن استفاده کردند؛ آیا این مجمل است یا...؟ در این مورد چون معصوم بیان کرده حجت است.

اما در برخی موارد مثل آیه أ و من ینشأ فی الحلیه و... این آیه در مورد زن است، قرآن می فرماید زن در زینت رشد می کند و لذا در مقام مجادله و... نمی تواند از خودش دفاع کند و برخی از کارها مثل قضاوت و... را نمی تواند عهده دار شود؛ این یک برداشت از ناحیه فقیه است و ادعا شده این از اشارات قرآن است.

سوال شده اشارات قرآن حجت است یا نه؟ از کدام قسم است؟ صریح است یا ظاهر یا مجمل؟

از این تاریکتر بطون قرآن است وقتی قرآن می فرماید: فلینظر الانسان الی طعامه و... امام می فرماید: مراد از الی طعامه یعنی الی ممن یاخذ علمه و... این از بطون است یا آیه والشمس و ضحاها حضرت فرمودند: شمس پیامبر و ضحی امیرالمومنین است.

آیا دلالت اینها مبهم است (در این صورت صلاحیت استناد ندارد) یا صریح و ظاهر است (قابل استناد). بطون به گفته خود قرآن جز متشابهات است و لذا دلالتش می شود مبهم؛ اما نسبت به اشارات: اگر برای انسان نمود داشته باشد می شود به آن

تمسک کرد و لذا اگر آیه اقل حمل را یک عالمی هم می فرمود امکان دفاع داشت. و می توانستیم حجت کلامش را ثابت کنیم. (حال یا در غالب صریح یا ظاهر فرقی نمی کند)

نکته: عبارات قرآن متفاوت است برخی ها واقعا می شود جزء بطون است برخی اشاره برخی صریح و... این حرف ها که ما زده ایم مجمل، ظاهر، نص و.. هم در دلالت های تصویری می آید و هم در دلالت های تصدیقی؛ به عبارت دیگر هم در مفردات می آید و هم در جمل. بحث سوم: مهمترین اصل ما این است: و این اصل مخالف مشهور است و سالهاست که ذهن من را به خودش مشغول کرده است.

مشهور ظاهر را اینگونه تعریف می کنند: دلالتی که برسد به مرز ظن نوعی و ظن شخصی را لازم نمی دانند حتی ظن شخصی خلاف را هم مضر به ظهور نمی دانند. آقای آخوند هم ادعا کرد که عقلا احتجاج می کنند به ظواهر... .

استاد علیدوست: ما معتقدیم که نه عقلا چنین اعتقادی دارند و نه خود این اعظم عملا معتقد به این کلام هستند.

عقلا دنبال ظهور به این گستردگی (4 لافرق که مرحوم آخوند ادعا کرد) نیستند؛ خود آقای آخوند و فقها هم عملا این گستردگی را قبول ندارند.

الحمد لله رب العالمین